

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع‌راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها - جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.
موضوع	بلاها - آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

رسانه‌های جمعی و اجتماعی



خوش حالی ها و خوش بختی های رسانه ملی

نوح منوری^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

در اولین دقایق حادثه پلاسکو، آنچه بیش از هر چیز از زبان گوینده شبکه خبر شنیدیم، کلمه «خوشبختانه» بود و تنها در ساعات پایانی روز اول بود که نواری سیاه‌رنگ به نشانه عزاداری بر گوشه تصویر شبکه خبر (و فقط شبکه خبر) نقش بست. این فاصله خوشبختی تا عزا چگونه طی شد؟

اگرچه همواره امیدآفرینی، یکی از راهبردهای اصلی رسانه ملی، عنوان شده است، اما توسل به امید بدون توجه به زمینه، می‌تواند منجر به رفتارهایی نه‌چندان حرفه‌ای (که تعبیر به ناجوانمردی شد) از سوی سازندگان برنامه‌های تلویزیونی شود. در ساعات اول پس از حادثه پلاسکو، حداقل دو مورد موجب اظهار خوشبختی از سوی مجری

۱. با تشکر از نیایش دولتی، مرجان نمازی، و حمید قیصری

برنامه خبری شد (البته در لحظات ریزش، ناراحتی در چهره مجری و خبرنگار پیدا بود و آن را ابراز هم کردند)؛ اول ریزش ساختمان به صورت عمودی و دوم موفقیت شبکه خبر در پخش مستقیم صحنه ریزش. مورد اول با فراموشی افراد جان‌داده و زیرآوارمانده همراه شد، به طوری که در اولین ساعات، صرفاً اخباری از مصدومان کم‌شمار این حادثه پخش و گفته می‌شد که اغلب آن‌ها نیز سرپایی مداوا شدند. مورد دوم نیز ظاهراً قرار بود تا به عنوان نشانی از عملکرد حرفه‌ای و سرعت عمل مناسب یک شبکه خبری محسوب شود.

در ساعات بعدی، دو مورد دیگر نیز اضافه شد. اول، تأکید فراوان بر قدمت و کهنگی ساختمان پلاسکو، گویی مهم‌ترین علت این حادثه همین است. دوم درخواست از مردم برای عدم ازدحام در محل و عدم فیلم‌برداری، تا امکان امداد رسانی فراهم شود، هرچند برنامه دیگر تلویزیون از مردم خواست تا فیلم‌ها و عکس‌های خود را از محل حادثه ارسال کنند. همه این‌ها در حالی بود که همان روز اول، شبکه خبر برنامه‌های عادی خود از جمله گزارش‌های طبیعت و گردشگری را پخش می‌کرد.

این اخبار و جملات تکراری، تناسبی با حادثه رخ داده و تطابقی با وظایف یک شبکه خبری نداشت و در تضاد با آن چیزی بود که مردم با کمک ابزارها و برنامه‌های پرشمار و سهل‌الوصول الکترونیکی و اینترنتی و در قالب اخبار و تفاسیر گوناگون دریافت و مشاهده می‌کردند. رسانه ملی که برای سال‌ها، عادت کرده است خود را یکه‌تاز میدان خبردهی (بهبتر بگوییم جهت‌دهی به افکار عمومی) قلمداد کند، حالا دیگر فقط تأثیرگذار نبوده، بلکه تأثیرپذیر نیز می‌شود. دیگر فقط این صداوسیما نیست که روی جامعه اثر می‌گذارد، بلکه جامعه با تمام پویایی‌های خود بر عملکرد صداوسیما اثر می‌گذارد.

هم‌زمان با این شکل از خبررسانی از سوی رسانه‌ی ملی که بیشتر



سزاوار تعبیر «عدم اطلاع‌رسانی» و در جهت آرام‌سازی فضا بود، دو اتفاق در فضای مجازی رخ داد؛ از یک‌سو اخبار متناقض مبنی بر احتمال وجود تلفات زیاد انسانی در این حادثه و از سوی دیگر انتقادهای فزاینده نسبت به عملکرد تلویزیون. در پی این رخدادهاست که تلویزیون، کم‌کم از آن برخوردار ابتدایی فاصله می‌گیرد و در عملکرد خویش، بازناندیشی می‌کند؛ به تدریج می‌پذیرد که این فاجعه‌ای ملی بوده، نوار سیاهی در گوشه تصویر (هرچند با تردید) حک می‌کند؛ و در گوشه‌ای از تصویر و در اقدامی تحسین‌برانگیز، پخش مستقیم محل حادثه را ادامه می‌دهد.

این تعامل میان جامعه و رسانه در روزهای بعد نیز ادامه پیدا می‌کند. جامعه ساکت سال‌های گذشته، امروز با ابزارهای اینترنتی به جامعه‌ای پرحرف و گاه «گوش‌خراش» تبدیل شده است. حرف خوب یا بد، زیاد می‌زند و به گوش سخن‌گویان یکه‌دیروز می‌رساند که صداقت و شفافیت عملکرد آن‌ها، مدام رصد می‌شود. دیگر مصاحبه‌های مصنوعی که همگی عملکرد صدا و سیما را مناسب عنوان کنند، چاره کار نیست. هرچند نمونه‌ای از این مورد را در فاصله کمی قبل از فاجعه پلاسکو مشاهده کردیم. آن‌جا هم صدا و سیما به واسطه عملکرد نه‌چندان درست در نمایش دقیق و به‌موقع یک عزای عمومی، مورد انتقاد قرار گرفت.

این‌که چرا علی‌رغم چنین انتقادهایی، رسانه ملی باز به عملکرد مشابه دست می‌زند، خود نیاز به پاسخ دارد. در واقع صدا و سیما، تنها یک رسانه نیست، بلکه دستگاهی در میان دستگاه‌های دیگر است که با برخی از آن‌ها، هم‌ائتلاف نیز هست. رسانه ملی، تنها پاسخ‌گوی مخاطب مردمی خود نیست بلکه سخن‌گو و نماینده تعدادی از دستگاه‌های دیگر نیز هست. صدا و سیما، سیاست‌های خود را مستقل و تنها در ارتباط با مخاطب مردمی تنظیم نمی‌کند، بلکه متناسب با نفوذ



شخصی یا سازمانی آن دستگاه‌ها، مسائل موجود را تفسیر، دست‌کاری و بازنمایی می‌کند و این چنین است که گاهی به نظر می‌رسد در انزوا و انتزاع از مخاطب مردمی خود عمل می‌کند. به‌عنوان نمونه برخورد صدا و سیما با دو حادثه اخیر پلاسکو و قطار مشهد، به هیچ‌عنوان مشابه نبود. در ماجرای پلاسکو، هرچند شاید طبیعی باشد که رسانه ملی نتواند مانع از نمایش تبلیغاتی مسئولانی باشد که یکی‌یکی در روزهای بعد به محل حادثه می‌آمدند و خود را نشان می‌دادند، اما دیگر نمی‌توان نسبت به انتخاب‌گزینشی میهمان‌های برنامه‌های خبری و تحلیلی چنین قضاوتی داشت. در یکی از این برنامه‌ها، یکی از اعضای شورای شهر، کمبود امکانات و تجهیزات اطفای حریق را منکر شد و بی‌احتیاطی افراد حاضر در عدم ترک محل را عامل فاجعه دانست.

این خط انتقاد نسبت به مردم، توسط برنامه‌های دیگر نیز دنبال شد، به‌نحوی که جماعت موسوم به سلفی‌بگیر، مورد آماج انتقادهای برنامه‌های متعدد تلویزیونی قرار گرفتند. از قضا این مورد یکی از موارد هم‌نوایی رسانه ملی و رسانه‌های مجازی بود. در فضای مجازی نیز پوشش‌هایی در انتقاد از حضور و ازدحام مردم راه‌اندازی شد. این تلاقی ناخواسته را البته می‌توان مصداقی از این واقعیت دانست که رسانه ملی، علی‌رغم تلاش برای برکنار ماندن از فضای شکل‌گرفته با محوریت افکار عمومی، عملاً خود نیز به مصرف‌کننده‌گزینه‌شی محتوای تولیدشده در آن فضا تبدیل می‌شود. به‌این‌ترتیب از یک‌سو مردم، بخشی از انتقادهای خود را بروز می‌دهند و از سوی دیگر رسانه فرصت می‌یابد با اختیار کردن یک صورت انتقادی، خود را از زیر بار سوالاتی مهم که می‌تواند مطرح کند برهاند؛ سوالاتی از علل وقوع فاجعه، مسئولیت دستگاه‌های ذی‌ربط و غیره. تنها چند روز بعد بود که تحت عنوان درس‌هایی که می‌شود از پلاسکو گرفت به شکلی گذرا و در قالب مصاحبه‌های مردمی، به مواردی مثل عدم ایمنی، عدم رعایت



استانداردها، و ضعف دستگاه‌های مسئول اشاره شد. اما مهم‌ترین جلوه بازنمایی و دست‌کاری واقعیت فاجعه پلاسکو، جایی خود را نشان داد که رسانه‌ی ملی در یک توافق نانوشته همراه با بخش مهمی از مردم و مسئولان با تأکید بر فداکاری و ایثار و قهرمانی آتش‌نشان‌ها، بر تجلیل و تعزیت شهدای این فاجعه پا فشرده؛ فضایی از غم و اندوه و عزاداری و تقدیس حاکم شد، نماهنگ‌های متعددی ساخته و پخش شد، پیام‌های مختلفی انتخاب و خوانده شد، مصاحبه‌های زیادی تهیه و نشان داده شد، خواننده‌ها و بازیگرها و سازندگان و مجریان برنامه‌های مختلف به انحای گوناگون، نقش خود را در این نمایش ایفا کردند تا درنهایت و احتمالاً با یک تشییع جنازه ملی، موضوع رفع و حل و تمام‌شده تلقی شود؛ گویی کل این فاجعه و قربانی‌های آن تنها بهانه‌ای بوده تا همه، متوجه جان‌فشانی آتش‌نشان‌ها شوند. به این ترتیب واکنش‌های بعد از فاجعه، هدایت و شکل‌دهی می‌شود و هرگونه واکنش دیگری از جمله اعتراض به مسببان و کاوش در علل وقوع فاجعه به حاشیه رانده می‌شود. تنها برنامه تلویزیونی که خلاف این سیاست اقدام و البته تنها به ابراز تعجبی ساده در مورد مسئولیت‌ناپذیری عده‌ای اکتفا می‌کند، بلافاصله تذکر می‌گیرد و خبر آن تذکر هم به طرز وسیعی پخش می‌شود.

از یک جنبه دیگر نیز می‌توان به عملکرد صدا و سیما در این فاجعه نگاه کرد. با محدودیت‌های ایجادشده برای خبرنگاران، خبرنگار صداوسیما از معدود خبرنگارهای حاضر در محل بود. با وجود این برخی از خبرهای خود صدا و سیما تکذیب شد؛ از جمله اولین خبری که از پیدا شدن چهار پیکر آتش‌نشان یا اعلام مفقودی از سوی ۲۵ خانواده منتشر شد. حتی گاهی خبرنگاران صدا و سیما هم با تعجب، کذب یا صحت برخی خبرها را از مسئولان مربوط پیگیری می‌کردند. به این ترتیب جریانی از تکذیب‌های خبری به راه افتاد و این تصور را به



ذهن متبادر می‌کرد که نوعی مدیریت روانی اخبار در جریان است تا با انتشار و تکذیب مداوم اخبار از وقایع پیش‌آمده حساسیت‌زدایی شود. با وجود چنین تلاشی برای آرام و طبیعی جلوه دادن امور، دیگر نمی‌توان وقتی خبرنگار شبکه خبر از روحیه‌ی «شاد» آتش‌نشان‌ها یا از خبر «خوشحال‌کننده» پیدا شدن یک پیکر حرف می‌زند، این‌ها را صرفاً اشتباهات لفظی دانست. این‌ها تناقضاتی است که در عمق سیاست‌گذاری‌های کلان، پیرامون نحوه برخورد رسانه‌ای با چنین فاجعه‌ای وجود دارد و گاهی به سطح می‌آید. همچنین تکرار مداوم این جمله که «به اخبار فضای مجازی توجه نکنید» بیش از هر چیز بی‌معنا و البته برای مخاطبان فعال فضای مجازی معنا دار می‌شود، چون با وجود چنین فضایی، رسانه ملی نیز اعتباری در حد بقیه رسانه‌های رسمی و غیررسمی پیدا می‌کند. به‌راحتی می‌توان تصور کرد که اگر حضور همان مردمی که مدام مورد انتقاد قرار می‌گیرند و عکس و فیلم‌های آن‌ها نبود و اگر این اتفاق در قلب پایتخت اتفاق نمی‌افتاد، رسانه ملی همین تلاش برای خبررسانی را هم نداشت.

شاید فاجعه‌ی پلاسکو، زودتر از آنچه تصور می‌کنیم به فراموشی جمعی ما بپیوندد، اما این پرسش باقی خواهد بود که رسانه‌ها تا چه زمان می‌توانند با روش‌های متنوع و زیرکانه، حجم فجایع را به دست حافظه کوتاه‌مدت مردمی بسپرنند که خود تصویر برمی‌دارند، خود جریانی طوفانی از اخبار درست و غلط را به‌پا می‌کنند، خود رسانه ملی را تحریک و تقویت می‌کنند و خود نقطه پایان هر موج رسانه‌ای را تعیین و به روزمرگی‌های خویش بازمی‌گردند؟





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز